

تاریخ و تمدن اسلامی، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۸۴، ص ۱۵۱-۱۷۰

خَطَط‌نگاری در مصر اسلامی^۱

معصومعلی پنجه

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

حجم عظیمی از معلومات تاریخی، جغرافیایی و ادبی مصر اسلامی در آثاری فراهم آمده، که به شیوه خطط نگاشته شده‌اند. این شیوه تاریخ‌نگاری در مصر با ابن عبدالحکم آغاز شد، با مقریزی به اوج خود رسید و با علی‌پاشا مبارک روی به افول نهاد. در این نوشتار در سه بخش، خطط‌نگاری پیش از مقریزی، خطط مقریزی و خطط‌نگاری پس از مقریزی به معرفی و بررسی کتب خطط و جایگاه خطط‌نگاری در تاریخ‌نگاری مصر اسلامی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: خطط، خطط‌نگاری، مصر اسلامی، مقریزی.

مقدمه

خَطَط‌نگاری^۲، یعنی وصف محلّه‌ها و ناحیه‌های یک شهر، نوعی جغرافیای تاریخی اقلیمی است که در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی شناخته شده بود، چراکه مقدمه برخی از کتاب‌هایی که ذیل نام شهرها نگاشته شده مانند تاریخ بغداد/ خطیب بغدادی، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر و الاعلاق الخطیّرة فی ذکر امراء الشام و الجزیره ابن شداد، مشتمل بر توصیف محلّه‌ها و کوچه‌ها و به طور کلی توپوگرافی این شهرهاست. نیز

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۷/۵، تاریخ تصویب نهایی، ۱۳۸۴/۹/۲۷.

۲. خَطَط جمع خَطَطَه، زمینی است که شخص، قبل از آنکه دیگری وارد آن شده باشد، در آن فرود آید (نک: ابن منظور، لسان‌العرب، ذیل «خطط»؛ نیز Crone, p., «Khitṭa» *EP*, V/23).

۳. پیش از این دو تحقیق نسبتاً مفصل راجع به خطط‌نگاری انجام شده است (نک: عنان، مصر الاسلامیه و تاریخ‌الخطط المصریة، ۳۷-۷۶؛ سید، مقدمه مَسُوْدَة کتاب المواعظ و الاعتبار...، ۶-۳۵).

می‌توان، آنچه را بلاذری راجع به «تمصیر کوفه و بصره» در فتوح البلدان^۱ و یعقوبی در توصیف بغداد و سامرا در البلدان^۲ آورده‌اند، به عنوان پیشینه‌ای برای این شیوه تاریخنگاری قلمداد کرد. با وجود این، از آنجا که غالب آثاری که با این عنوان و این شیوه نگاشته شده، راجع به تاریخ و جغرافیای مصر اسلامی بوده، می‌توان گفت که این شیوه تاریخنگاری مختص آن سرزمین است و در طول هزار سال رشد کرده و متحول شده است.

در میان کتب خططی که در مصر به رشته تحریر درآمده، کتاب المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار معروف به الخطط المقریزیه از برجستگی خاصی برخوردار است. در واقع این کتاب نقطه اوج این شیوه تاریخنگاری در مصر است. در این نوشتار سعی شده است در سه بخش خطط‌نگاری پیش از مقریزی؛ خطط مقریزی و خطط‌نگاری پس از مقریزی (آثاری که به این شیوه نگاشته شده) بررسی و جایگاه هر کدام در تاریخنگاری مصر اسلامی شناسانده شود. در واقع حجم عظیمی از معلومات تاریخی این سرزمین در این گونه آثار فراهم آمده، گرچه بسیاری از آنها در حوادث روزگار از بین رفته است.

خطط‌نگاری پیش از مقریزی

مقریزی در مقدمه المواعظ و الاعتبار اسامی برخی از نویسندگانی را که پیش از وی درباره خطط مصر آثاری نگاشته‌اند، به دست می‌دهد. وی معتقد است که «اولین کسی که خطط مصر و آثار آن را در [کتابی] ترتیب داد و اسباب و علل آن را در دفتری ذکر و جمع‌آوری کرد، ابوعمر محمد بن یوسف الکندی (د. ۳۵۰ق) بود»^۳. به رغم این نظر باید گفت که فضل تقدم در این زمینه با ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحکم است که حدود صد سال پیش از کندی در ۲۵۷ق در گذشته و بخش سوم کتابش فتوح مصر

۱. نک: بلاذری، ۲۷۰-۲۸۳، ۳۳۷-۳۶۱.

۲. نک: یعقوبی، ۴-۳۳.

۳. مقریزی، خطط، ۵/۱.

و اخبارها را به توصیف خطط فسطاط، جیزه و اسکندریه اختصاص داده است.^۱ از قضا مقریزی خود در یکی از صفحات کتابش به آن اشاره کرده است.^۲ ابن عبدالحکم در بخش مذکور به شرح خطط اولیة فسطاط از زمان تأسیس و چگونگی نزول قبایل و بنای مساجد و منازل در آنجا و سپس به شرح خطط اسکندریه از زمان اشغال آن از سوی مسلمانان و چگونگی تقسیم محله‌ها، خانه‌ها و زمین‌های آن میان سرداران و سربازان می‌پردازد. روایت وی از خطط مصر منبع بسیاری از مورخان بعدی چون ابن زولاق، قضاعی و مقریزی بوده است.^۳

همان‌گونه که از مقریزی نقل شد، کندی صاحب اثر مشهور کتاب *الولاة* و کتاب *القضاة*، کتابی به نام *خطط* نیز داشته، که هم‌اکنون مفقود می‌باشد. البته وی در خلال مطالب کتاب *الولاة* و کتاب *القضاة* به طور مختصر به خطط فسطاط و بناهای اولیة آن اشاره دارد.^۴ همچنین در منابع متأخر از چندین تک‌نگاری از کندی - که آنها نیز هم‌اکنون مفقودند - یاد شده که در آنها به توصیف خطط فسطاط پرداخته شده است: یکی کتاب *اخبار مسجد اهل الرأیة الاعظم*^۵ که تاریخ مسجد جامعی است که عمرو بن عاص در وسط خطة اهل الرأیة بنا کرد؛ دیگر کتاب *الجند العربی* یا *الاجناد العریة*^۶ است که مقریزی به احتمال زیاد به واسطه *خطط* قضاعی از آن نقل کرده است.^۷ نکته در خور توجه آنکه، مقریزی در نگارش *خطط* بسیار وامدار کندی بوده است؛ گاستون ویت خاورشناس فرانسوی در مقاله‌ای راجع به رابطه مقریزی و کندی ثابت کرده که مقریزی

۱. ابن عبدالحکم، ۹۱-۱۳۹.

۲. مقریزی، همان، ۲۸۲/۲.

۳. عنان، *مورخو مصر الاسلامیة و مصادر التاريخ المصری*، ۱۸.

۴. نک: کندی، ۳۶، ۳۸، ۴۵، ۴۹، ۱۱۵، ۱۳۴ و جاهای دیگر.

۵. مقریزی، *خطط*، ۲۴۶/۲.

۶. همو، ۱۴۳/۲.

۷. همو، ۱۶۳/۲.

روایاتی طولانی، بالغ بر نصف کتاب *الولاء* و کتاب *القضاة* را از کندی نقل کرده و غالباً به نام وی اشاره نکرده است، موضوعی که تا حدی خشم ویت را برانگیخته است. بنابر شمارش ویت، مقریزی از ۴۸۶۶ سطر کتاب *الولاء*، ۲۱۴۵ سطر را که مشتمل است بر ۱۶۱ سطر عناوین فصل، ۱۶۴ سطر اسانید کندی، ۶۹۷ سطر شواهد شعری، ۲۲۹ سطر حاوی اسامی کارگزاران رده دوم و ۸۹۴ سطر حاوی حوادث بی‌اهمیت و غیرمرتبط با تاریخ مصر، نیاورده است.^۱

با ورود فاطمیان به مصر و تأسیس قاهره به عنوان پایتخت در کنار فسطاط، خط‌نگاری در مصر وارد دوره‌ای تازه شد و رونق بیشتری یافت.

نخستین مورخی که در عهد فاطمی به خط‌نگاری پرداخت، ابو محمد حسن بن زولاق (د. ۳۸۷ق) بود. کتاب *خطط مصر* ابن زولاق ظاهراً از زمان‌های بسیار دور مفقود بوده است^۲، چراکه مقریزی هم در مقدمه *خطط* که پیش از این یاد آن رفت، ذکری از آن نیاورده است. در واقع باید گفت این سرنوشت دامن غالب آثار دیگر ابن زولاق را نیز که از منابع برجسته و دست اول تاریخ مصر در عهد اخشیدیان و دهه‌های آغازین عهد فاطمیان بوده، گرفته است و تنها از طریق برخی از منابع متأخر می‌توان به برخی از گزارش‌های وی دست یافت.^۳ ظاهراً تنها کسی که از *خطط مصر* ابن زولاق یاد کرده، ابن خلکان است که ضمن شرح حال وی آورده است: «و له کتاب فی خطط مصر استقصی فیہ».^۴ م. ع. عنان معتقد است که ابن زولاق احتمالاً در این کتاب به بحث از خطط فسطاط و خطط عسکر و قطائع پرداخته بوده است و شاید از بنای قاهره *مُعزّیه* نیز یاد کرده بوده که در این صورت وی را باید اولین مورخ خطط دانست.^۵

1. Wiet, G., "Kindi et Maqārīzi", *BIFAO*, XII (1918), 61-73, (به نقل از سید، ۹).

۲. همانجا؛ عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۰.

۳. همو، ۴۱؛ عنان، *مورخو مصر الاسلامیة و مصادرالتاریخ المصری*، ۲۵ به بعد.

۴. ابن خلکان، ۹۱/۲.

۵. عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۱.

سنت خط‌نگاری در مصر را یکی از برجسته‌ترین مورخان عهد فاطمی امیر مختار عزّ الملک محمد بن عبیدالله بن احمد مُسَبَّحی (د. ۴۲۰ق) ادامه داد. کتاب مهم تاریخی وی نام طولانی *اخبار مصر و فضائلها و طریقها و غریبها و ما بها من البقاع و الآثار و سیر من حلَّ غَیَرها من الولاة و الامراء و الائمة و الخلفاء آباء امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین* را بر خود داشت.^۱ از این تاریخ بزرگ که بنا بر گفته ابن خلکان ۱۳۰۰۰ برگ داشته^۲ و بنا بر گفته حاجی خلیفه دوازده جلد بوده^۳، تنها جزء چهارم آن مشتمل بر حوادث سالهای ۴۱۴ و ۴۱۵ق به دست ما رسیده است.^۴ از خلال آنچه از این کتاب باقی مانده و آنچه متأخران - به ویژه مقریزی - نقل کرده‌اند، مشخص می‌شود که مسبحی در آن از خطط فسطاط، خانه‌ها و بازارهای آن بسیار بحث کرده است (چراکه وی خود در خیابان *الحمراء* در ساحل نیل فسطاط ساکن بوده است).^۵ همان‌گونه که بکر خاورشناس آلمانی اشاره دارد، بسیاری از مورخان بعدی مانند یاقوت، ابن خلکان، ابن سعید، ذّهبی، ابن ایاس و دیگران از او بسیار بهره جسته‌اند، اما آنکه بیش از همه به مسبحی مدیون است، «مقریزی است که در خطط پنجاه بار از او یاد کرده، آن هم غالباً در فصل‌های نسبتاً بلند و چه بسا که وی در موارد دیگر نیز از او استفاده کرده باشد، بی‌آنکه از وی نامی به میان آورد».^۶

بدون شک برجسته‌ترین خط‌نگار مصر عهد فاطمی کسی نیست جز ابو عبدالله

۱. عنان، *مورخو مصر الاسلامیة و مصادر التاریخ المصری*، ۵۳.

۲. ابن خلکان، ۳۷۷/۴.

۳. حاجی خلیفه، ۳۰۴/۱.

۴. این جزء شامل بخش‌های تاریخی و ادبی است. بخش تاریخی آن را ا. ف. سید و ث. بیانکی تصحیح کرده‌اند (قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ۱۹۷۸) و بخش ادبی آن را حسین نصّار تصحیح کرده است (قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة، ۱۹۸۴). هردو بخش بار دیگر توسط و. ج. میلوارد تصحیح و به چاپ رسیده است (قاهره، ۱۹۸۰).

۵. سید، ۱۰.

۶. سزگین، ۵۱۵/۱.

محمد بن سلامة بن جعفر القضاعی (د. ۴۵۴ق) صاحب کتاب *المختار فی ذکر الخطط و الآثار*^۱ این کتاب نیز همانند بسیاری دیگر از نوشته‌های تاریخی مصر عهد فاطمی از بین رفته و تنها قطعات پراکنده‌ای از آن در آثار مورخان بعدی مانند قلقشندی^۲، مقریزی^۳، ابن تغری بردی و سیوطی باقی مانده است.^۴ ارزش اساسی روایت قضاعی در این است که واپسین توصیف از خطط فسطاط و قاهره پیش از خرابی‌ها و تغییرات ناشی از بحران اقتصادی و قحطی دوره خلیفه المستنصر بالله (الشدة المستنصریة = ۴۵۷-۴۶۳ق) است.^۵ نکته‌ای که مقریزی نیز به آن اشاره دارد: «... فذکر اکثر ما ذکره - ای الکندی و القضاعی - و لم یبق الاّ یلمع او موضع بلقع...»^۶

م. ع. عنان معتقد است که از آنچه از کتاب قضاعی نقل شده می‌توان دریافت که اثری بزرگ بوده که در آن به خطط مصر، بناها و تاریخ آن از فتح اسلامی، به علاوه سرگذشت قاهره معزیه تا نیمه قرن پنجم پرداخته شده بود.^۷

کتاب *خطط قضاعی* تا اوایل قرن دهم هجری در دست بوده است چراکه سیوطی (د. ۹۱۱ق) اشاره دارد که او گزارش فتح مصر را در کتابش *حسن المحاضره* از نسخه‌ای از کتاب *خطط قضاعی* به خط مؤلف نقل کرده است.^۸

در دوره متأخر فاطمی، با روی کار آمدن امیر الجیوش بدرالجمالی (وزارت: ۴۶۶-۴۸۷ق) مصر (فسطاط) روی به افول و قاهره روی به شکوفایی نهاد و خط‌نگاری وارد

۱. مقریزی، *خطط*، ۵/۱.

۲. نک: قلقشندی، ۲۹۴/۳، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۱-۳۲۴ و جاهای دیگر.

۳. نک: مقریزی، ۱۲۲/۱، ۱۲۵، ۲۰۶، ۲۰۷ و جاهای دیگر، ۱۳۷/۲، ۱۴۲، ۱۴۶ و جاهای دیگر.

۴. مصطفی، ۱۹۱/۲: عنان، *مورخو مصر الاسلامیة و مصادر التاریخ المصری*، ۵۰.

۵. همو، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۳، ۴۴: مصطفی، همانجا.

۶. مقریزی، *خطط*، ۵/۱.

۷. عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۴.

۸. سیوطی، ۱۲۷/۱.

مرحله‌ای جدید شد.^۱ در این دوره دو خط‌نگار می‌زیستند که با نام و آثار آنان تنها از طریق روایت مقریزی آشنائیم: اولی شاگرد قُضاعی، ابوعبدالله بن بَرَکات بن هلال النَّحوی المصری (د. ۵۲۰ق) است که کتابی در خط نگاشته بود که مقریزی از آن این‌گونه یاد می‌کند: «تألیفٌ لطیفٌ نَبَّهَ فيه الافضل ابوالقاسم شاهنشاه ابن امیر الجیوش بَدْرُ الجمالی علی مواضع قد اغْتَصِبَتْ و تُمَلَّکَتْ بعد ما کانت احباساً».^۲ با وجود این مقریزی در متن *خطط* اشاره‌ای به اقتباس از کتاب ابن بَرَکات نحوی نمی‌کند، اما عنان احتمال داده است که وی (مقریزی) آنجا که به موضوع احباس (اوقاف) پرداخته^۳ از کتاب ابن بَرَکات بهره برده است.^۴

دیگر خط‌نگار این دوره، شریف نَسابه ابوعبدالله محمد بن اسعد بن علی بن حسین مازندَرانی معروف به شریف جَوّانی (د. ۵۸۸ق) نقیب اشراف در مصر و صاحب تألیفات متعدد به ویژه در نسب‌شناسی است.^۵ کتاب *خطط* وی، *النَّقْطُ بَعْجَمِ [المُعْجَم] ما أَشْکِلَ من الخطط* نام داشته که مقریزی در جاهای متعدد از آن بهره برده^۶ و درباره آن آورده: «نَبَّهَ فيه علی معالم قد جُهِلَتْ و آثار قد دُثِرَتْ».^۷

در دوره ایوبیان از مورخی که به خط‌نگاری اهتمام ورزیده باشد، سراغی نداریم، اما از نویسندگانی مسیحی کتابی در دست است که در آن به دیرها، کنائس و محله‌های قبطیان پرداخته شده است.^۸ کتاب که *تاریخ الکنائس و الادیرة* نام دارد، مدت‌ها به شخصی به نام ابوصالح ارمنی منسوب بود، اما اخیراً مشخص شده که نویسنده آن

۱. مقریزی، *خطط*، ۵/۱.

۲. همانجا.

۳. مقریزی، *خطط*، ۲۹۴/۲ به بعد.

۴. *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۴.

۵. برای شرح حال وی نک: مقریزی، *المقفی الکبیر*، ۳۰۶/۵-۳۰۸.

۶. نک: مقریزی، *خطط*، ۲۸۸/۱، ۲۹۶، ۳۳۰، ۳۳۲، ۸۱/۲، ۱۶۴، ۲۰۲، ۲۱۸ و جاهای دیگر.

۷. همان، ۵/۱.

۸. عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۴۵؛ سید، ۱۶.

المؤتمن ابوالمکارم سعدالله بن جرجس بن مسعود نام دارد.^۱
 با استقرار دولت ممالیک در مصر و در روزگار حکومت ملک ظاهر بیبرس (۶۵۸-
 ۶۷۶ق) شهر قاهره توسعه یافت و مساجد، باغها و بازارهای بسیاری در آن ساخته شد.^۲
 نویسندگانی که در این زمان به نگارش خطط قاهره روی آورد قاضی محیی‌الدین
 ابوالفضل عبدالله بن رشیدالدین عبدالظاهر بن نشوان السعدی المصری معروف به ابن
 عبدالظاهر^۳ (د. ۶۹۲ق) مؤلف کتاب *الروضۃ البهیة الزائرة فی خطط المعزیه القاهره* بود. این
 کتاب، نخستین کتاب خطی است که به خطط قاهره اختصاص داده شده، زیرا همه
 کتابهایی که پیش از این سخن از آنها رفت، درباره خطط فسطاط بود.^۴
 همه نویسندگانی که پس از ابن عبدالظاهر به نگارش خطط قاهره پرداخته‌اند از
 کتاب وی بهره برده‌اند، به ویژه ابن ائیک دواداری در *کنز الدرر*،^۵ ابن دقماق در
الانتصار، قلقشندی در صبح الاعشی،^۶ ابن تغری بردی در *النجوم الزاهره*^۷ و مقریزی در
المواعظ و الاعتبار.^۸

۱. جلد دوم آن توسط ب. ت. ا. اوتس با این مشخصات به چاپ رسیده است:

The churches and Monasteries of Egypt and some Neighbouring Countries attributed to Abū sālih the Armenian, edited and translated by B. T. A. Evetts with added notes by Alfred J. Butler, Oxford 1895.

اما نسخه کامل کتاب که نام نویسنده اصلی نیز در آن آمده در دو جلد و به کوشش راهب صمویل سریانی در قاهره ۱۹۸۴ به چاپ رسیده است.

۲. عنان، همان، ۴۵، ۴۶.

۳. برای شرح حال وی نک: مقریزی، *المقفی الکبیر*، ۵۷۹/۴-۵۸۱.

۴. مقریزی، *خطط*، ۵/۱.

۵. ابن ائیک، ۲۷۰/۱۵.

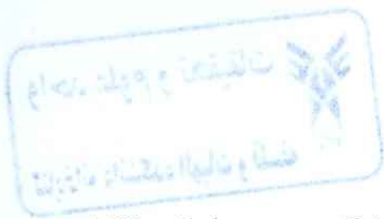
۶. ابن دقماق، ۳۶/۵، ۳۷، ۴۵، ۴۶.

۷. قلقشندی، ۳۴۰-۳۴۴، ۳۴۰/۳.

۸. ابن تغری بردی، ۳۴/۴-۵۴.

۹. مقریزی، *خطط*، ۳۸۱/۱، ۳۸۴، ۳۸۸، ۴۰۴، ۴۰۸ و جاهای دیگر، ۴/۲، ۱۲، ۱۶ و جاهای دیگر. نیز نک: عنان،

همان، ۴۶-۴۷؛ سید، ۸۰-۸۴.



کتاب ابن عبدالظاهر تا چندی پیش در شمار کتب مفقود بود، اما اخیراً نسخه‌ای از آن در مجموعه‌ای جدید که به کتابخانه موزه بریتانیا اضافه شده، به دست آمده است. این نسخه، دومین کتاب در مجموعه‌ای به شماره OR13. 317 است که از نسخه‌ای به خط مؤلف استنساخ شده و تاریخ کتابت آن روز پنجشنبه ۲۴ رجب سال ۱۰۱۶ ق است. این نسخه شامل چهل برگ از برگ ۱۴۲ تا برگ ۱۸۰ پ و هر برگ آن ۲۳ سطر است.^۱ بنا بر توصیف خانم ا. ف. سید نسخه‌ای است پر از خطا و تصحیف، اما مطالب آن با منقولات مقریزی و دیگران از ابن عبدالظاهر مطابقت دارد.^۲

کتاب ابن عبدالظاهر که مقریزی به اختصار با عنوان *خطط القاهرة* از آن یاد می‌کند، همانگونه که برخی از پژوهشگران اشاره کرده‌اند منبع اساسی مقریزی در توصیف خطط قاهره پیش از قرن هفتم بوده است.^۳

اگرچه ابن عبدالظاهر برای اولین بار نگارش خطط قاهره را وجهه همت خویش قرار داد، اما یکی از معاصران وی، القاضی الرئیس تاج‌الدین محمد بن عبدالوهاب بن متوج الزبیری راه گذشتگان در پیش گرفت و کتابی با نام *ایقاظ المتعقل و اتعاظ المتأمل* در توصیف خطط فسطاط نگاشت.^۴ خطط ابن متوج هم‌اکنون مفقود است؛ اما به گفته مقریزی در *المقفی*، کتابی بزرگ بوده است.^۵ وی در مقدمه *خطط* نیز آورده است که ابن متوج آخرین مورخ خطط بوده که «احوال مصر و خطط آن را تا سال هفتصد و بیست و اندی آورده، که بیشتر آن در وبای سال هفتصد و چهل و نه و سپس در وبای [هفتصد] شصت و یک و بعد در قحط هفتصد و هفتاد و شش از بین رفته است».^۶ مقریزی مطالب بسیاری راجع به خطط مصر، آثار و مساجد آن از ابن متوج برگرفته است.^۷

۱. همو، ۸۲.

۲. همانجا.

۳. عنان، همان، ۴۶؛ سید، ۸۰.

۴. مقریزی، *خطط*، ۵/۱؛ سیوطی، ۳/۱.

۵. مقریزی، *المقفی الكبير*، ۱۶۰۱۶.

۶. مقریزی، *خطط*، ۵/۱.

۷. نک: مقریزی، همان، ۲۷۶/۱، ۲۸۸، ۲۹۸، ۳۳۱ و بسیاری جاهای دیگر.

دو مورخ دیگر که اندک زمانی پیش از مقریزی به خط‌نگاری دست یازیده‌اند و در خط‌مقریزی به طور کلی هیچ یادی از آنان نرفته است، ابن دُفماق صاحب *الانتصار* و اوحدی مؤلف کتابی در خطط‌اند که کتاب اوحدی هم‌اکنون مفقود است.^۱

صارم الدین ابراهیم بن محمد بن ایذمر الغلائی معروف به ابن دُفماق (د. ۸۰۹ق) از نویسندگان پرکار عهد ممالیک، مؤلف کتابی است در خطط با نام *الانتصار لواسطه عقدا لأمصار*.^۲ کتاب ظاهراً شامل مجلدات متعددی بوده؛ اما هم‌اکنون تنها جزء چهارم و پنجم آن به خط مؤلف در دارالکتب المصریه موجود است که در قالب نهایی ریخته نشده است و افتادگی‌هایی دارد. این دو جز مشتمل بر وصف کاملی از محله‌ها، بازارها، برکه‌ها، مساجد، دیرها، کنیسه‌ها و دیگر آثار و ابنیه فسطاط و توصیفات اندکی از قاهره و اسکندریه است. اهمیت این کتاب بیشتر درباره شهر فسطاط و خطط آنست،^۳ تا آنجا که ج. سالمون آن را بهترین منبع برای بازسازی طرح توپوگرافی فسطاط و شهرهای حکومتی جنب آن، العسکر و القطائع، می‌شمارد،^۴ کاری که پ. کازانوا به انجام رسانده و توصیفی دقیق از فسطاط به دست داده است.^۵

آخرین خط‌نگار پیش از مقریزی، شهاب‌الدین احمد بن عبدالله بن حسن بن طوغان اوحدی (د. ۸۱۱ق) است که کتابی در خطط مصر و قاهره نگاشته بود^۶ که به اعتقاد شمس‌الدین سخاوی (د. ۹۰۲ق) مورد دستبرد مقریزی قرار گرفته است.

۱. جالب است که مقریزی شاگرد ابن قماق و همسایه اوحدی بوده و بنا به گفته خودش دائماً با آنان در ارتباط بوده است (نک: مقریزی، *درر العقود الفریده*، ۱۶۳/۱، ۱۶۴، ۲۳۵-۲۳۶) برای مطالعه بحثی درباره رابطه این سه تن نک: سید، ۶۸-۷۹. نیز نک: کراچکوفسکی، ۳۷۰، ۳۸۲-۳۸۳.

۲. برای توصیف آن نک: عنان، همان، ۴۸؛ کراچکوفسکی، ۳۷۰.

۳. همانجاها؛ سید، ۶۹.

4. Salmon, G., *Etudes Sur la topographie du Caire - La kal'at al- kabch et La Birkat al-Fil*, MIFAO, VII, Le Caire 1902, p. II.

5. Casanova, P., *Essai de reconstitution topographique de la ville d'al- Fustat ou Misr*, MIFAO, XXXV, Le Caire 1913-1919,

(به نقل از سید، همانجا).

۶. ابن حجر، ۴۰۶/۲.

موضوعی که به هنگام بحث از خط مقریزی به آن پرداخته خواهد شد.

خط مقریزی

شیوه خط‌نگاری با کتاب *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار* نوشته تقی‌الدین احمد بن علی بن عبدالقادر مقریزی به نقطه اوج خود رسید. در واقع این کتاب مفصل، چکیده نوشته‌های گذشتگان است به همراه پژوهش‌ها و نوآوری‌های خود مقریزی. وی اگرچه آثار پرشمار و پراچ دیگري نیز درباره تاریخ اسلام و مصر اسلامی برجای نهاده است^۱، اما بی‌گمان معتبرترین اثر و حاصل زندگانی علمی وی، همین کتاب *خطط* است.^۲

موضوعی که غالب پژوهشگران معاصر به هنگام بررسی *خطط* مقریزی ناگزیر از پرداختن به آن شده‌اند، تهمت سرقت ادبی است که سخاوی به مقریزی زده است. شمس‌الدین سخاوی (د. ۹۵۲ق) مورخ منتقد مصری در آثارش مکرر مقریزی را متهم کرده که وی مسوده (پیش‌نویس) کتاب *خطط* اوحدی را به دست آورده چیزهایی بر آن افزوده و آن را به نام خویش کرده است.^۳ در دو سده اخیر شماری از خاورشناسان و محققان عرب مانند کاترمر^۴، بروکلیمان^۵، محمد عبدالله عنان^۶، کراچکوفسکی^۷، سعید عبدالفتاح عاشور^۸ و ایمن فؤاد سید^۹ به بررسی این اتهام و رابطه مقریزی با اوحدی

۱. برای ملاحظه فهرست و اطلاعات دیگر راجع به آثار گوناگون مقریزی نک: سید، ۴۵-۶۴.

۲. عنان، همان، ۵۱؛ کراچکوفسکی، ۳۷۵.

۳. *الضوء اللامع*، ۳۵۸/۱، ۲۲/۲: *التبر المسبوك*، ۲۲: *الإعلان بالتوبيخ*، ۲۷۹.

4. Quatremere, E., "Review of al- Maqrizi k. *al-Mawā'iz wal-i'tibar bi dikr al-khitat wal-atâr*" *Journal des Savants*, 1856, 321-337.

5 Brockelmann, C., "al-Makrizi", *EI*¹, III/186.

۶. عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۵۶-۶۳.

۷. کراچکوفسکی، ۳۸۲-۳۸۳.

۸. عاشور، س. ع.، «أضواء جدیدة علی المؤرخ احمد بن علی المقریزی و کتاباته»، *عالم الفکر* ش ۱۴ (۱۹۸۶)،

۴۶۳-۴۵۷.

۹. سید، ا. ف.، «ملاحظات حول تألیف خطط المقریزی»، *مجلة معهد المخطوطات العربیة* ۲۶ (نوفمبر ۱۹۸۰) ۲۴-

پرداخته‌اند. این پژوهشگران، به ویژه چهار نفر اخیر که مسأله را دقیق‌تر و مفصل‌تر بررسی کرده‌اند، مقریزی را از این اتهام مبری دانسته‌اند، قاطع‌ترین دلیل برای رفع این اتهام، اعتراف خود مقریزی است؛ وی در کتاب دیگرش *درر العقود الفریدة* اشاره دارد که *مسوودة خطط* اوحدی را در اختیار داشته و از آن در نگارش *المواعظ و الاعتبار بهره* فراوان برده است.^۱ دلیل دیگر آنکه بیش از نیمی از کتاب *خطط* مقریزی گزارش آثار و مکان‌ها و رویدادهای معاصر مقریزی است^۲ و با توجه به این‌که اوحدی سی و چهار سال پیش از مقریزی و در ۸۱۱ق درگذشته، اساساً این گزارش‌ها نمی‌تواند از او باشد. تنها انتقادی که می‌توان بر مقریزی وارد کرد این است که وی می‌بایست در پایان سیاهه‌ای که از خططنگاران پیش از خود در *مقدمة المواعظ و الاعتبار* ارائه کرده، یادی از اوحدی و *خطط* وی نیز می‌کرد.

مقریزی در *مقدمة خطط* طرح کتاب را این‌گونه ترسیم کرده است: «کتاب هفت جزء است: اول، مشتمل بر عباراتی از اخبار مصر و احوال نیل و خراج و کوههای آن؛ دوم، شامل اخبار بسیاری از شهرها و نژاد اهالی آن؛ سوم، مشتمل بر اخبار فسطاط مصر و حاکمان آنجا؛ چهارم، شامل اخبار قاهره و خلفای آن و آثار آنهاست؛ پنجم، مشتمل بر رویدادهایی است که بر قاهره و پیرامون آن گذشته؛ ششم، شامل ذکر قلعه *جَبَل* و حاکمان آن و هفتم، شامل ذکر اسبابی است که مایه ویرانی سرزمین مصر شده». ^۳ اما همان‌گونه که عنان و کراچکوفسکی نیز به درستی اشاره کرده‌اند، محتویات کتاب در سه جزء پایانی با طرح مذکور اختلاف دارد؛ جزء ششم در میانه جزء پنجم ظاهر شده و در هم آمیخته است و مؤلف پس از ذکر مطالب نه چندان مفصلی دربارهٔ ایوبیان و ممالیک که در جزء ششم آمده، از تاریخ مساجد و مؤسسات قاهره یاد می‌کند که

۳۰؛ نیز مقدمه مسوودة ... ۷۲-۷۹.

۱. مقریزی، *دررالعقود الفریدة*، ۲۳۳/۱.

۲. عنان، همان، ۶۰؛ کراچکوفسکی، ۲۸۳.

۳. *خطط*، ۴/۱.

بایست در جزء پنجم می‌آمد چرا که مکمل مطالب آن جزء است. سپس کتاب با بخش‌هایی درباره تاریخ یهود و قبط و دیرها و کنیسه‌های آنان خاتمه می‌یابد که در طرح اولیه کتاب ذکری از آن نرفته است. همچنین جزء هفتم که بایست به اسباب ویرانی مصر اختصاص یافته باشد، در نسخ موجود *خطط* وجود ندارد؛ اگرچه مؤلف در مواضع گوناگون از این اسباب یاد کرده است.^۱ ظاهراً مؤلف این جزء را اصلاً ننوشته است. روون گست احتمال داده است که چون مقریزی پیش از تألیف *خطط* در ۸۰۸ق *اغاثة الأمة بکشف الغمة*^۲ را نگاشته بود که به موضوع اسباب و علل ویرانی مصر اختصاص دارد، دیگر لزومی ندیده تا بار دیگر به این موضوع بپردازد؛^۳ و همین نکته دلیلی است بر اینکه مقریزی مقدمه کتابش را تنقیح نهایی نکرده است.

درباره اهمیت و جایگاه *خطط* مقریزی در تاریخ‌نگاری مصر اسلامی سخن بسیار رفته است^۴ و در این باره باید با *الف* سید هم‌سخن شد که کتاب مذکور «به اجماع آراء پژوهشگران مهم‌ترین کتاب در تاریخ و جغرافیای مصر و توپوگرافی / نقشه‌نگاری پایتخت آن در عصر اسلامی است»^۵. مقریزی در این کتاب تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری مصر را از فتح اسلامی تا میانه قرن نهم هجری بر خوانندگان عرضه می‌کند و از هر دری سخن به میان می‌آورد؛ از قصرها، جوامع، مدارس، خانقاهها، حمام‌ها، خانه‌ها، زاویه‌ها و...؛ از آداب و رسوم، اعیاد، جشن‌ها، تفریحات، لباس‌ها، خوردنی‌ها و ادبیات عامه و...؛ از نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و لشکری و از خلفاء، امرا و خاندان‌های بزرگ و بسیاری مطالب ارزنده دیگر. لاجرم هر پژوهشگر تاریخ مصر اسلامی نیازمند مراجعه به آن و استفاده از آن است.

۱. عنان، همان، ۵۴؛ کراچکوفسکی، ۳۷۹.

۲. به کوشش م. م. زیادة و ج. شیال، قاهره، لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۷۵م.

۳. عنان، همانجا، حاشیه ۳.

۴. برای نمونه نک: همو، ۵۵؛ کراچکوفسکی، ۳۸۰-۳۸۱.

۵. مقدمه مسودة... ۱.

دلیل دیگر که می‌تواند نشان از اهمیت و رواج این کتاب داشته باشد وجود بیش از ۱۷۰ نسخه/دستنویس از آن است که در کتابخانه‌های جهان پراکنده است و تنها ۳۵ نسخه آن در کتابخانه‌های استانبول نگهداری می‌شود و این رقم به گفته خانم سید در میان کتاب‌های عربی بی‌نظیر است.^۱

خط‌نگاری پس از مقریزی

بدون شک خط مقریزی شاهکار مکتب خط‌نگاری مصر اسلامی است و آنچه پس از آن نگاشته شده، غالباً وامدار این کتاب گرانسنگ است. تنها کتاب خط در خورد توجه در این دوره که حاوی نوآوری‌هایی است، الخط التوفیقیة الجديدة نوشته علی‌پاشا مبارک در اواخر قرن نوزدهم میلادی است.

پس از مقریزی چند مورخ نامدار دیگر در مصر ظهور کردند که اگرچه در زمینه خط به طور مستقل و اختصاصی دست به تألیف نزدند؛ اما در آثار آنان یکجا یا پراکنده از خط مصر و قاهره سخن رفته است. از جمله این مورخان یکی ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی (د. ۸۷۴ق)، شاگرد مقریزی است که فصلی از جزء چهارم کتابش *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة* را به بحث از خط قاهره با تکیه بر *الروضة البهیة الزاهرة* ابن عبدالظاهر اختصاص داده است.^۲ مورخ دیگر نویسنده پرکار جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (د. ۹۱۱ق) است که کتاب *حسن المحاضرة فی*

۱. همانجا؛ خط مقریزی اول‌بار در دو جلد و در ۱۲۷۰ق/۱۸۵۳م در مطبعة بولاق به چاپ رسید. چاپ مذکور سرشار از خطا و تصحیف است. نخستین تلاش برای تصحیح انتقادی آن توسط گ. ویت مصرشناس نامدار فرانسوی در ۱۹۱۱م آغاز شد، اما مرگ به وی امان نداد و تنها پنج جزء از آن تا سال ۱۹۲۷م از سوی المعهد العلمی الفرنسي للآثار الشرقیة به چاپ رسید. در ۱۹۹۵م، خانم ایمن فؤاد سید مسوده/پیش‌نویس خط را که نسبت به متن اصلی بسیار مختصر است، به چاپ رساند (لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی). اخیراً نیز متن کامل آن به کوشش محمد زبیه و مدیحة الشرقاوی به چاپ رسیده است (قاهره، مکتبة مدبولی، ۱۹۹۸م).

۲. ابن تغری بردی، ۴/۳۴-۵۴.

اخبار مصر و القاهرة^۱ وی متضمن برخی اطلاعات توپوگرافیک راجع به فسطاط و قاهره و آثار و بناهای آنجا شامل مساجد، مدرسه‌ها و خانقاه‌ها... است. با سقوط حکومت ممالیک و سلطه امپراتوری عثمانی بر مصر (۹۲۳ق) روزگار انحطاط فرهنگی و تمدنی این سرزمین و به ویژه پایتخت آن قاهره آغاز شد. این شهر که در دوره‌های فاطمی و ایوبی و به ویژه در دوره ممالیک به کانون سیاسی، تجاری و فرهنگی جهان اسلام بدل شده بود، در عهد عثمانی سیر قهقرایی در پیش گرفت و به شهری در میان شهرهای این امپراتوری تبدیل گردید. تحولات مذکور بر تاریخ‌نگاری مصر به طور عام و خط‌نگاری قاهره به طور خاص تأثیر منفی گذاشت و تلاش خط‌نگاران این دوره همانگونه که پیش از این گفته آمد، بیشتر صرف تلخیص خط‌مقریزی شد.

از جمله کتب خطی که پس از مقریزی تألیف شده، می‌توان به کتابی با عنوان *التَّحْفَةُ الْفَاخِرَةُ فِي دِكْرِ رُسُومِ حُطُوطِ الْقَاهِرَةِ* نوشته نویسنده‌ای ناآشنا به نام أَقْبَعَا الخاصِکی اشاره کرد که برای سلطان ملک اشرف قانصوه غوری تألیف شده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۲۲۶۵ عربی نگهداری می‌شود که بنابر گفته ا. ف. سید با برخی اختلافات اندک در شیوه، ظاهراً رونوشتی از جزء دوم خط‌مقریزی است.^۲

کتاب دیگر، *قَطْفُ الْأَزْهَارِ مِنَ الْخَطِّ وَالْآثَارِ* از شمس‌الدین ابی عبدالله محمد بن محمد ابی السّرور البکری (د. ۱۰۶۰ق) است. وی پس از مطالعه خط‌مقریزی «آن را در غایت زیاده‌گویی و اطناب و فاقد ترتیب یافت» و از این‌رو دست به تلخیص کتاب مذکور زد و معلوماتی نیز راجع به روزگار پس از مقریزی تا زمان خویش بر آن افزود که بخش با ارزش کتاب همین افزوده‌هاست. نسخه‌ای از این کتاب به شماره ۴۵۷ جغرافیا

۱. به کوشش م. ا. ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۷م.

۲. سید، ۲۵-۲۶.

در دارالکتب المصریه موجود است.^۱

تلخیصی دیگر از خطط مقریزی با عنوان *الرؤیة البهیة فی تلخیص کتاب المواعظ و الاعتبار المقریزة* نوشته شخصی به نام احمد الحنفی معروف به البؤخ در دست است که نسخه‌ای از آن به شماره ۱۶۳۸ در کتابخانه گوتا نگهداری می‌شود.^۲

فصل ختام زنجیره هزارساله خط‌نگاری در مصر، کتابی است با عنوان *الخطط التوفیقیة المجدیدة لمصر القاهرة و مدنیها و بلادها القدیمة و الشهیرة* تألیف علی پاشا مبارک (د. ۱۳۱۱ق/ ۱۸۹۳م) که م. ع. عنان از او این‌گونه یاد می‌کند: «احد اركان النهضة العلمية و الادبية المعاصرة».^۳

همان‌گونه که پیش از این اشارتی رفت، تنها تلاش درخور توجه در زمینه خط‌نگاری پس از مقریزی، همین *الخطط التوفیقیة* علی پاشا مبارک است که در دهه‌های پایانی سلطه عثمانیان بر مصر، عصر انحطاط علمی و فرهنگی این سرزمین، نگاشته شده است.

راهنما و منبع اصلی علی پاشا مبارک در خط‌نگاری تا نیمه قرن نهم *خطط* مقریزی بوده و وی کتابش را بر اساس کتاب مذکور پی‌ریزی کرده است؛ اما همت وی بیشتر صرف تتبع و نگارش تاریخ خطط، آثار و مؤسسات مصر در طول چهار قرن فاصله بین وی و سلف بزرگش مقریزی، شده است.^۴ و در واقع وی سعی کرده تا خطط قاهره را به گذشته‌اش پیوند دهد. اگرچه علی مبارک در نگارش این کتاب که حاوی اطلاعات وسیعی راجع به شهرها و روستاهای مصر و شرح حال بسیاری از بزرگان آن در قرون مختلف است، تلاش بسیاری به خرج داده است، اما تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان آنچه

۱. عنان، همان، ۶۵-۶۶؛ سید، ۲۶-۲۷.

۲. عنان، همان، ۶۶-۶۷؛ سید، ۲۷.

۳. عنان، *مصر الاسلامیة و تاریخ الخطط المصریة*، ۷۱.

۴. همان، ۷۳؛ سید، ۳۰.

وی نگاشته با آنچه مقریزی نگاشته وجود دارد. کتاب مقریزی به تعبیر خانم ا. ف. سید سرشار از سرزندگی و به باریک‌بینی ممتاز است (ینبض بالحیاء و یتَمیِّز بالدقة) در مقابل کتاب علی مبارک غالباً نقل عبارات مقریزی است به اضافه دانسته‌های وی از زمان خویش همراه با این ضعف آشکار که پیوند محکمی میان گزارش وی و منقولات و اقتباسات او وجود ندارد.^۱ با وجود این، پژوهش در تاریخ مصر و به ویژه شهر قاهره در عهد عثمانیان و پاشاها بی‌مراجعه به این کتاب ناقص خواهد بود.

الخطط التوفیقیة دارای بیست جزء (پنج مجلد بزرگ) و بیش از دو هزار صفحه در قطع بزرگ است که در فاصله سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ م به امر خدیو توفیق پاشا در مطبعة بولاق به چاپ رسیده است.

خطانگاران و کتب خطط مصر

وی در بخش سوم به خطط فسطاط، جیزه و اسکندریه پرداخته است.	فتوح مصر و اخبارها	۱. ابن عبدالحکم (د. ۲۵۷ق)
مفقود	خطط مصر	۲. کندی (د. ۳۵۰ق)
مفقود	خطط مصر	۳. ابن زولاق (د. ۳۸۷ق)
مفقود، جز بخش چهلیم	اخبار مصر	۴. مسیحی (د. ۴۲۰ق)
مفقود	المختار فی ذکر الخطط و الآثار	۵. قُضاعی (د. ۴۵۴ق)
مفقود	النَّقْطُ بِعَجْمِ الْمُعْجَمِ / ما اشْکِلَ من الخطط	۶. ابن برکات نحوی (د. ۵۲۰ق)
موجود	تاریخ الکنائس و الأديرة	۷. ابوالمکارم سعدالله بن جرجس المؤمن
مفقود	الرَّوْضَةُ النَّبِيَّةُ الرَّاهِرَةُ فِي خِطَطِ الْمُعَرِّيَةِ الْقَاهِرَةِ	۸. ابن عبدالظاهر (د. ۶۹۲ق)
مفقود	ایقان المتمعّل و اتعاظ المتأمل	۹. ابن منبّوج (د. ۷۳۰ق)
جزء چهارم و پنجم موجود	الاینتصار لواسطه عقد الأمصار	۱۰. ابن دقماق (د. ۸۰۹ق)
مفقود	خطط قاهره	۱۱. اوحدی (د. ۸۱۱ق)
موجود	المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار	۱۲. مقریزی (د. ۸۴۵ق)
موجود	التَّحْفَةُ الْفَاخِرَةُ فِي ذِکْرِ رَسُومِ خِطُوطِ الْقَاهِرَةِ	۱۳. أقبغا خاصکی (نیمه اول و قرن دهم ق)
موجود	قَطْفُ الْأَزْهَارِ مِنَ الْخِطَطِ وَ الْأَثَارِ	۱۴. ابوالشّور بکری (د. ۱۰۶۰ق)
موجود	الخِطَطُ التَّوْفِيقِيَّةُ الْجَدِيدَةُ لِمِصْرِ الْقَاهِرَةِ وَ مَدِينَتِهَا وَ بِلَادِهَا الْقَدِيمَةِ وَ الشَّهِيرَةِ	۱۵. علی پاشا مبارک (د. ۱۳۱۱ق)

كُتابشِناسَى

ابن ايبك الدوادارى، كَنْزُ الدَّرَرِ وِ جامِعُ العَرَرِ، الجِزءُ الخامِسُ المِسمى الدَّرَةُ السَّنِيَّةُ فى اِخبارِ الدَّولَةِ العِباسِيَّةِ، بَه كُوشِشِ دُورِويِنا كِرافولسكى، بِيروَت، ١٩٩٢م، الجِزءُ السَّادِسُ المِسمى، الدَّرَةُ المُضَيِّةُ فى اِخبارِ الدَّولَةِ الفاطِميَّةِ، بَه كُوشِشِ صِلاحِ الدِّينِ المِنجِدِ، قاهِرَه، المِعهدُ الألمانى لِلآثارِ، ١٩٦٠م.

ابن تَغْرِى بَرْدَى، ابوالمِحاسِنِ جِمالِ الدِّينِ يوسُفِ، النِجومُ الزَّاهِرَةُ فى مِلوِكِ مِصرِ وِ القاهِرَةِ، قاهِرَه، دارِالكتُبِ المِصرِيَّةِ، ١٩٢٩-١٩٥٦م.

ابن حِجرِ عِسْقلانَى، اُنْبِياءُ العُمَرِ بَأَينا العُمَرِ، بَه كُوشِشِ حِسنِ حِشَى، قاهِرَه، المِجْلِسُ الأَعلى الشُّعْبُونِ الإِسلامِيَّةِ، ١٩٦٩-١٩٧٢م.

ابن خِلكانِ، شِمسِ الدِّينِ اِحمَدِ بنِ مِحمَدِ، وِفياتِ الاعِيانِ وِ انبِاءِ ابِنا الزَّمانِ، بَه كُوشِشِ اِحسانِ عِباسِ، بِيروَت، دارِالثِّقافَةِ، ١٩٦٩-١٩٧٢م.

ابن دِقْماقِ، صارِمِ الدِّينِ اِبِراهيمِ بنِ مِحمَدِ، الانتِصارُ لُواسِطَةُ عِقدِ الامِصارِ، بَه كُوشِشِ فُولرِزِ، قاهِرَه، ١٨٩٤م، بِيروَت، مِركِزُ المِوسِوعاتِ العالِميَّةِ (افِست)، بى تا.

ابن عِبدِالحِكمِ، عِبدِالرحِمانِ بنِ عِبدِاللهِ، فِتوحِ مِصرِ وِ اِخبارِها بَه كُوشِشِ تُورَى، لِيدِن، بَريلِ، ١٩٢٠م؛ قاهِرَه، مِكتَبَةُ مِدبُولَى (افِست)، ١٤١١ق.

ابن مِناظُورِ، ابوالفِضْلِ جِمالِ الدِّينِ، لِسانِ العِربِ، بِيروَت، دارِالبِيروَتِ، بى تا.

بِلاذِرَى، اِحمَدِ بنِ يَحْيَى، فِتوحِ البِلدانِ، بِيروَت، دارِ وِ مِكتَبَةُ الهِلالِ، ١٩٨٨م.

حاجى خِليفَه، كِشِفِ الطَّنُونِ عَنِ اسامَى كِتابِ وِ الفِنونِ، بِيروَت، دارِاحياءِ التِراثِ العِربى، بى تا.

سِخاوى، شِمسِ الدِّينِ مِحمَدِ، الإِغْلانُ بِالتَّوْبِيخِ لِمَن دَمَّ التَّارِيخِ، بَه كُوشِشِ فِرانْتِزِ رُوزنْتالِ،

بِغدادِ، مِكتَبَةُ العانَى، ١٩٦٣م/١٣٨٢ق.

هُمو، التِبرِ المِسبُوكِ فى ذِيلِ السِلوِكِ، بَه كُوشِشِ شارِلِ غِليارِدُوبِكِ، قاهِرَه، ١٨٩٦م.

هُمو، الصَّوَةُ اللامِعِ لِأَهْلِ القِرنِ التاسِعِ، قاهِرَه، مِكتَبَةُ القُدسَى، ١٣٥٣-١٣٥٥ق.

سِزْگينِ، فُؤادِ، تارِيخِ نِكارِشِهاى عِربى، تِرجِمَه مِؤَسَّسَةُ نِشْرِ فِهرِستِگانِ، بَه اِهْتِمامِ خانَةِ

كِتابِ، تِهْرانِ، وِزارَتِ فِرهَنگِ وِ ارشادِ اسْلامَى، ١٣٨٠ش.

سِيدِ، اِيمَنِ فُؤادِ، مِقدِمةُ مِسْودَةِ كِتابِ المِواعِظِ وِ الاعْتِبارِ فى ذِكرِ الخِطَطِ وِ الآثارِ، نِك: مِقرِيزَى.

سيوطي، جلال الدين، حسن المحاضرة في تاريخ مصر و القاهرة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، مطبعة الحلبي، ١٩٦٧م.

عنان، محمد عبدالله، مصر الاسلاميه و تاريخ الخطط المصريه، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٩٦٩م. همو، مؤرخو مصر الاسلاميه و مصادر التاريخ المصري، قاهره، مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ١٣٨٨ق/١٩٦٩م.

قلقشندی، احمد بن علي، صبح الاعشى في صناعة الانشاء، قاهره، دارالكتب المصريه، ١٩١٢-١٩٣٨م.

كراچكوفسكي، ايگناتي يوليانوويچ، تاريخ نوشته های جغرافياي در جهان اسلامي، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، علمي و فرهنگي، ١٣٧٩ش.

كندی، ابو عمر، كتاب الولاية و كتاب القضاة، به كوشش رفن گست، بيروت، ١٩٠٨م.

مصطفى، شاکر، التاريخ العربي و المؤرخون، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٠م.

مقريزي، تقى الدين احمد بن علي، دُررُ العقود الفريدة في تراجم الاعيان المفيدة، به كوشش

محمد كمال الدين عزالدين علي، بيروت، عالم الكتب، ١٩٩٢م.

همو، المواعظ و الاعتبار في ذكر الخطط و الآثار، بولاق، ١٢٧٠ق.

همو، مسودة كتاب المواعظ و الاعتبار في ذكر الخطط و الآثار، به كوشش ايمن فؤاد سيد،

لندن، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامي، ١٩٩٥م/١٤١٦ق.

يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب، البلدان، ترجمه محمد ابراهيم آيتي، تهران، علمي و فرهنگي،

١٣٨١ش.

Brockelmann, C., "al-Makrizi", *EI*¹ (first Encyclopediad of Islam (1913-1936). Leiden, Brill, 1987, V/ 175-176.

Crone, p., "khitta", *EF*², Leiden, Brill, 1986, V/22.